

## خط مشی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در کردستان

(مراحل و محورهای کار ما)

مصوب دفتر سیاسی و کمیته کردستان حزب

۵۷۳

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -  
Hekmatist

۲۱ آذر ۱۳۹۹ - ۱۱ دسامبر ۲۰۲۰

## نبرد علیه خصوصی سازی

صفحه ۵

سیاوش دانشور

## نان قسطی، ارمغانی دیگر از جمهوری اسلامی!

صفحه ۹

ملکه عزتی

## وضعیت اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی

صفحه ۱۱

نادر شریفی

## جمهوری اسلامی و ساخت فیلم پورن پدوفیل

صفحه ۱۳

سیوان کریمی

## دولت موظف به تامین نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی

### کلیه ساکنین ایران است!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

در رابطه با ادامه اعتراضات توده ای در کردستان عراق

## ارتجاع بدنبال بهانه برای حمله به مردم معترض است!

اطلاعیه مشترک

## در حمایت از اعتراضات اخیر مردم کردستان عراق

## و محکومیت سرکوبگری حکومت اقلیم کردستان

مردم در استان های مختلف بویژه جنوب ایران و دهها شهر گرفتار سیل و خانه خرابی و آوارگی اند. پاندمی کرونا کشتار میکند و علیرغم تعطیلی چند هفته ای بدون حمایت مالی و درمانی و بهداشتی، هنوز دهها استان در وضعیت قرمز و بعضا فوق قرمز قرار دارند. فقر و گرانی دمار از روزگار مردم درآورده و برای بخش بسیاری از زحمتکشانشان خرید نان هم دیگر مقدور نیست. در برخی شهرها صاحبان نانوانی ها تابلو زدند که "نان نسبیہ نمی دهیم!" حاشیہ نشینی و بیخانمانی و پشت بام خوابی و چادر خوابی و گور خوابی در کنار زندگی های سوپر دولوکس و اشرافیت جدید بورژواها و حکومتی ها، چهره زشت جامعه امروز است.

کارگران و مردم آزادیخواه ایران هر بار در مقابل فجایع طبیعی و نظر به شناختی که از توحش و لاقیدی جمهوری اسلامی دارند، حرکت عظیم همبستگی و کمک به همدیگر را سازمان داده اند. متأسفانه ابعاد و دامنه سیل، بیماری و بی خانمانی، محدودیت های ناشی از تحرک و سفر، بحدی گسترده است که امکان راه افتادن یک جنبش همبستگی وسیع با سیل زدگان را اگرچه غیر ممکن اما بشدت سخت کرده است. دولت مسئول

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست در رابطه با ادامه اعتراضات توده ای در کردستان عراق

## همدردی و همبستگی با

### مردم مصیبت دیده ایران ...

اسکان، تامین معاش و نیازهای درمانی و بهداشتی فوری سیل زدگان و بازسازی خرابیهای ناشی از سیل است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به خانواده های جانبازان تسلیت و مراتب همدردی و همبستگی عمیق خود با مردم سیل زده و بیمار اعلام می کنیم. رژیم اسلامی مسئول و بانی مستقیم کلیه این مشقات و قاتل قربانیان این فاجعه است. رژیمی که برای رفع مشکل زیرساختهای آب و فاضلاب از بانک جهانی قریب یکصد و پنجاه میلیون دلار وام می گیرد اما کمترین اقدامی نمی کند و این وامها در چرخه فساد حکومتی ناپدید می شوند. این حقیقت را باید قاطع و محکم تکرار کرد که تنها راه رهائی جامعه ایران از مشقات بی پایان کنونی، سرنگونی جمهوری اسلامی و درهم کوبیدن نظامی است که چنین شرایط و اوضاع فلاکتباری را به اکثریت عظیمی تحمیل کرده است.

ما برآنیم که قدرت و ابتکار نועدوستی و همبستگی انسانی مرز ندارد. در این اوضاع وخیم و دردناک، هنوز میتوان در شهرهای نزدیک یک استان و مناطق و محلات دست همدیگر را گرفت، از تجربه تشکیل شوراهای مردمی در خوزستان بهره برد، در اشکال متنوع سازمان یافت و بداد مصیبت زدگان رسید. ما میتوانیم درد مشترک را مبنائی برای تحمل مصائب وارده و تحکیم اتحاد و همبستگی انسانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۸ آذر ۱۳۹۸ - ۸ دسامبر ۲۰۲۰

## اعدام قتل

## عمد دولتی است!

## ارتجاع بدنبال بهانه برای حمله به مردم معترض است!

امروز دوشنبه ۷ دسامبر در ادامه زنجیره اعتراضات توده ای علیه فقر شدید و مشقت تحمیل شده چندین ساله به مردم کردستان عراق، شهرک سید صادق شاهد درگیری بین نیروهای امنیتی و مردم خشمگین این شهر بود. در این درگیری تاکنون زخمی شدن یک نفر در خبرها تایید شده است. نیروهای امنیتی چند روز قبل در شهر سلیمانیه هم مردم معترض را مورد حمله قرار دادند. در پی اعتراضات امروز در سید صادق مقرات و دوائر تبلیغاتی حزب دمکرات، اتحادیه میهنی، اتحاد اسلامی، کومه ل اسلامی و گوران به آتش کشیده شدند. همچنین مقر پلیس و فرمانداری شهر سید صادق نیز مورد حمله مردم معترض قرار گرفت.

این دور از اعتراضات توده ای که در روزهای گذشته در شهرهای سلیمانی و کلار و پیره مه گرون در جریان بود و امروز دامنه آن به شهر سید صادق رسید، مقامات حکومت اقلیم کردستان را دچار سراسیمگی کرده است. مردم معترض که فقر و نداری و عدم پرداخت حقوق معوقه زندگیشان را عملاً به بن بست رسانده، دیگر به وعده های توخالی مقامات فاسد حکومت اعتماد ندارند و عزم جزم کرده اند با نیروی اتحاد و همبستگی خود بن بست کنونی را از سر راه بردارند. اعتراضات این دوره نه تنها علیه احزاب در حکومت بلکه احزاب اپوزیسیون که در واقع منافع مشترکی با حکومتیان دارند هم می باشد. مردم ناراضی به درست کل این جریانات و احزاب را مسبب وضعیت مشقت بار کنونی خود میدانند و توهمی به احزاب اپوزیسیون دولت اقلیم کردستان از جمله احزاب اسلامی ندارند.

مقامات حکومتی از یک طرف با دستپاچگی مشغول مذاکره و رایزنی در درون خود برای چاره جویی هستند، و از طرف دیگر با سرکوب معترضین و سلب آزادی اجتماعات و بیان بستن کانالهای خبر رسانی از جمله کانال تلویزیونی ان. آر. تی سعی در خفه کردن صدای مردم حق طلب و جلوگیری از پخش اخبار این اعتراضات را دارند. تلویزیونهای احزاب حاکم با پخش جدهای سوخته شده از قرآن در جریان اعتراضات امروز در شهر سید صادق، با حربه تحریک احساسات ارتجاعی - مذهبی در جامعه برای مقابله و حمله به مردم معترض هستند، غافل از اینکه این سیاستهای شیدانه در مقابل هوشیاری و درایت جامعه ای بپاخواسته و حق طلب کاربردی ندارد.

مردم شریف و زحمتکش کردستان عراق حق دارند برای مطالبه حقوق بدیهی شان در مقابل یورش نیروهای دولتی از اعتراضات و تجمعاتشان دفاع کنند. احزاب عشیره ای که سالیان طولانی ثروت و مکنت کردستان عراق را به تاراج برده و در بین خود تقسیم کرده اند، مسؤل شرایط نکبت بار کنونی هستند و باید از اریکه قدرت به زیر کشیده شوند. مردم معترض با به میدان آوردن توده های وسیعتر کارگران و مردم زحمتکش و اتحاد محکم و رهبری پیگیر و قابل اطمینان بطور قطع خواهند توانست مطالبات و خواسته هایشان را برآورده کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست ضمن پشتیبانی از مبارزات برحق مردم در کردستان عراق همه احزاب و نهادهای آزادیخواه را به پشتیبانی از این اعتراضات فرا میخواند و سرکوبگری و اقدامات سرکوبگرانه مقامات حکومت اقلیم را محکوم میکند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

دوشنبه ۷ دسامبر ۲۰۲۰

## مرگ بر جمهوری اسلامی!

# خط مشی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در کردستان

(مراحل و محورهای کار ما)

## مقدمه:

جنبشی و عرصه ای برای مبارزات مردم و کمک به عروج و تامین هژمونی رهبران در محل در سطوح مختلف و تبدیل آنها به رهبران سراسری جنبش اعتراضی.

**ساختن حزب در داخل:** جلب و جذب رهبران و فعالین کمونیست جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال و محافل آنها به صفوف حزب. بر بطن گسترش شبکه محافل کمونیستی، ایجاد حوزه های حزبی دخیل در مبارزات و تحولات جاری موجود در کارخانه و محیط کار و محلات، دانشگاه و مدرسه، در میان جوانان و زنان، و عرصه های مختلف بسیار اساسی است. کلید مسئله قرار گرفتن کادرهای کمونیسم کارگری در راس شبکه محافل کمونیستی و حوزه های حزبی است. ارتباط محکم ما با این کادرها و هم خط و هم تصویر بودن آنها با سیاستهای حزب، این اقدامات میتواند منشاء سر و سامان گرفتن حزب پرنفوذ و جابجا کننده نیرو در هر محیطی باشد که این کادرها و این شبکه های کمونیستی حضور دارند. ابعاد دیگر سازمانیابی حزبی و ایجاد کمیته و ارگانها و نهادهای مناسب دیگر را بنا به تغییر اوضاع و در انطباق با شرایط باید در دستور گذاشت.

**سازماندهی توده ای، دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی:** نشانه های مساعد تغییر تناسب قوا به نفع گسترش سازمانیابی توده ای و کارگری قابل مشاهده است. دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی محور اصلی کار ما در این دوره است. تدوین و تبلیغ طرح حاکمیت شورایی و اعلام علنی آن.

ما مبتکر جنبش مجمع عمومی و شورایی هستیم. در عین حال از ایجاد کانونها و نهادها و اتحادیه در رشته ها و بخشهای دیگر بنا به ضرورت و توسط کارگران، استقبال میکنیم و مبتکر آن خواهیم شد.

**کنترل محلات:** خارج کردن نقشه مند محلات مختلف در شهرها از دایره اعمال قوانین و کنترل جمهوری اسلامی از طریق سازمان دادن مبارزه علیه جمهوری اسلامی توسط مردم متشکل و متحد حول شبکه هم بسته رهبران و فعالین پرنفوذ کمونیست، ایجاد شورای محله و تغییر تناسب قوا در شهرها مطابق یک برنامه زمان بندی شده و هماهنگ با سایر فعالیت های حزب.

**گارد آزادی:** احیا و گسترش ظرفیت و پتانسیل گارد آزادی. تشویق و ترغیب جوانان به ایجاد واحدهای گارد آزادی. بکار گرفتن امکانات جامعه برای تامین تجهیزات و امکانات آن.

**به حاشیه راندن افق و سیاست و موقعیت جنبش و احزاب ناسیونالیستی در کردستان.** خنثی کردن نقشه ها و طرحها و بند و بسته های سیاسی ضد مردمی احزاب ناسیونالیست. نقد مستمر و همه جانبه سیاستهای ناسیونالیستی و جریانات راست و ناسیونالیست و قوم پرست در کردستان. تعیین فوکوسهای سیاسی معین به منظور منزوی کردن احزاب ناسیونالیست. افشا و رسوا کردن طرح

اوضاع ایران به شدت متحول است. مبارزه علیه فقر و گرانی و برای تامین معیشت و سلامت میرمیت عاجل پیدا کرده است. جدال برسر قدرت سیاسی و سرنگونی جمهوری اسلامی در صحنه سیاست ایران و از جمله در کردستان معنای بسیار زمینی و گسترده به خود گرفته است. پایان حاکمیت رژیم اسلامی و خارج شدن زودتر کنترل اوضاع از دست این حکومت، مشخصا در کردستان یک احتمال قوی است. سابقه و موقعیت و توانایی نیروی کمونیسم و چپ و آزادیخواه در کردستان یک پایه مهم قدرت کمونیستها و حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست است و میتواند نقش تعیین کننده ای در پیشروی کمونیسم و حزب ما در جدال سیاسی و طبقاتی برای تعیین تکلیف قدرت سیاسی در کردستان و به تبع آن در سطح سراسر ایران ایفا کند.

حزب حکمتیست و تشکیلات کردستان آن همان خط مشی و هدف سیاسی را تعقیب میکند که حزب در سراسر ایران برای تحقق آن میکوشد. حزب در عین حال با چشمان باز اوضاع متفاوت در کردستان را تعقیب میکند. در راستای جوابگویی به وظایفمان در کردستان نقشه مرحله بندی شده زیر را، با تعیین محورها و اولویتهای هر دوره ارائه میکند.

## مراحل کار ما

**۱- مرحله کنونی: تبدیل شدن به حزب قدرتمند و جابجا کننده نیرو در جامعه:** جنبش کارگری و کمونیستی و حزب ما در جامعه کردستان دارای موقعیت اجتماعی و سیاسی جدی و انکار ناپذیر است. اما این موقعیت و پتانسیل هنوز به تمامی به توانایی عملی و متشکل و سازمانیافته، تبدیل نشده است. کل انرژی کمونیسم کارگری و عرصه های مبارزاتی حزب را در کردستان باید در نقشه ای فوری و هماهنگ به کار گرفت. در این راستا:

## - محورهای کار مادر این دوره:

**- نمایندگی کردن پلتفرم "نه" مردم به کلیت جمهوری اسلامی در اعتراضات جاری.** بر این اساس بسیجگری اجتماعی و توده ای حول "سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی و برابری و رفاه همگانی" و "علیه فقر و فلاکت و بیکاری"، "تامین معیشت و سلامت" و دیگر شعارهای کنکرت و بسیج کننده سیاسی و اقتصادی در جنبش اعتراضی کارگری و توده ای در دستور عاجل کار ما است.

**- تامین رهبری جنبش اعتراضی و انقلابی از طریق:** الف- ناظر شدن پلتفرم و شعارهای متحد کننده و رادیکال بر این مبارزات، تلاش برای عروج دادن حزب به عنوان بخش لایتجاری مبارزات کارگری و توده ای جاری (جنبش کارگری، جنبش اعتراض عمومی، جنبش زنان، جوانان، معلمان). ب- تامین رهبری سراسری و محلی این مبارزات. به این معنا

۱- عروج رهبران و شخصیتهای با اتوریته حزب در کردستان به عنوان رهبران درگیر در مبارزات اجتماعی. ۲- ابراز وجود موثر و اجتماعی فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان، جوانان و معلمان و دیگر جنبشهای اعتراضی، تلاش برای تامین رهبری در همه سطوح محله ای، شهری،

## خط مشی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در کردستان

(مراحل و محورهای کار ما) ...

و- ایجاد و سازماندهی مجامع عمومی و شوراها و دیگر سازمانهای توده‌ای رادیکال را وسیعاً باید گسترش داد.

و- خنثی کردن توطئه‌ها و بند و بستهای احزاب سیاسی ناسیونالیست کرد و جمهوری اسلامی. داشتن سیاست و تاکتیکهای روشن در تناسب قوای مختلف در مقابل احزاب سیاسی مختلف. یک بخش مهم کار در این دوره تلاش برای متعهد کردن سیاسی و عملی احزاب به مفاد بیانیه ای که مانع وقوع سناریوی سیاه در کردستان شود.

۳- **مرحله نهایی: پایان حاکمیت جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شورایی مردم در کردستان**

- در این مرحله سرنگونی جمهوری اسلامی و به دست گرفتن ابتکار عمل برچیدن همه دم و دستگاه و پیکره رژیم یک سیاست محوری است. براین اساس در هم آمیختن قدرت جنبش اعتراضی کارگران و مردم و توانایی سیاسی و نظامی کمونیسم و حزب برای یکسره کردن کار جمهوری اسلامی، و پایان دادن به حاکمیت آن، محور کار ما است.

- برقراری حاکمیت شورایی مردم، به مثابه ارگان اعمال اراده و قدرت مستقیم مردم بر سرنوشت خویش. تدوین و اعلام برنامه حاکمیت شورایی از هم اکنون در دستور کار ما است.

- اعلام و تعهد به اجرای لایحه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان. تدوین و تکمیل آن بر اساس بخش دوم برنامه دنیای بهتر. اعلام لایحه های ضروری دیگر از جمله: "لایحه حقوق زنان"، "قانون کار" و ...

- ارائه پلتفرم راه حل کارساز حل مساله کرد، متکی به سیاست مندرج در برنامه دنیای بهتر و قطعنامه مصوب حزب حکمتیست در این رابطه.

- سازماندهی نیروی مسلح شوراهای مردم، متکی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در وظایف انتظامی و دفاعی، این نیرو جایگزین نیروهای سرکوبگر و مافوق مردم میشود. به علاوه دخالت نیروی مسلح احزاب در تعیین سرنوشت مردم و تحمیل حاکمیت از بالا به جامعه، قویا مردود است.

- تلاش برای شکل دادن به همکاری موردی و مشخص نیروهای چپ و کمونیست در کردستان حول مفاد پلتفرم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، برنامه حاکمیت شورایی مردم، لایحه حقوق پایه ای مردم کردستان، پلتفرم راه حل مساله کرد.

(مصوب دفتر سیاسی و کمیته کردستان حزب حکمتیست - اکتبر ۲۰۲۰)

\*\*\*

سیاه فدرالیسم و دارندگان آن. خنثی کردن تفرقه افکنی ناسیونالیستی و تلاش برای انتگره کردن مبارزات مردم در کردستان با مبارزات سراسری مردم ایران برای تامین آزادی، برابری، رفاه همگانی.

- **در افتادن هدفمند با جریانات سیاه سلفی گری، سنی گری و ارتجاع مذهبی**

- **کسب آمادگی برای اوضاع اضطراری:** با شل شدن و شکستن بیشتر اقتدار جمهوری اسلامی در سطح سراسری، به دلیل شرایط متفاوت سیاسی و مبارزاتی در جامعه کردستان، احتمال تعرض زودتر مردم برای برچیدن حاکمیت رژیم در کردستان وجود دارد. کمونیستها و حزب حکمتیست به عنوان نیروی فعاله و نه منتظر، با طرح و نقشه از هم اکنون فکر شده باید برای آن شرایط خود را آماده کنند. کسب آمادگی لازم برای اوضاع اضطراری و داشتن طرح برچیدن جمهوری اسلامی از اولویتهای مهم حزب حکمتیست و تشکیلات کردستان آن است.

۲- **مرحله بعدی؛ جابجایی عملی قدرت سیاسی:** فلج شدن بیشتر جمهوری اسلامی در بعد سراسری ایران، موقعیت جدیدی را در کردستان به وجود میآورد. در شرایطی که توانایی عملی جمهوری اسلامی در کنترل اوضاع بیشتر کاهش یابد، به نحوی که کارش به حکومت نظامی و آماده‌باشها و اوضاع اضطراری برسد، دوره اتفاقات مهم با دخالت فعال خود ما در کردستان فرا میرسد. از جمله:

- جنبش اعتراضی و مردم برای برچیدن جمهوری اسلامی و کنترل اوضاع خیز برمیآیند. - دخالت احزاب سیاسی و مسلح برای سهم‌بری از قدرت و تعیین تکلیف قدرت وارد دوره جدیدی میشود. - توطئه‌ها و بند و بستهای جمهوری اسلامی و ارتجاع محلی و احزاب ناسیونالیست علیه اراده مردم شروع میشود.

لذا در ایندوره با درهم آمیختن و هماهنگ کردن عرصه های اصلی مبارزه انقلابی (اقتصادی و سیاسی و نظامی) و اتکا به قدرت عملی و سازمانی و اجتماعی و نظامی حزب (گارد آزادی) و به میدان کشیدن مردم، برای تعیین تکلیف قدرت سیاسی و خنثی کردن توطئه‌های ارتجاعی باید دست بکار شد. در این رابطه محورهای اصلی کار ما چنین است: الف - حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به شیوه علنی، اجتماعی و نظامی و سازمانی در شهرهای کردستان ابراز وجود میکند. رهبران و شخصیت‌های با اتوریته در داخل مستقر میشوند. ب- با به میدان کشیدن جنبش اعتراضی کارگران، زنان و جوانان و مردم، جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار میدهم. ج- ابتکار اجتماعی کنترل محلات و شهرها را باید در دستور گذاشت. سازمانهای توده‌ای مرتبط با حزب (سازمان آزادی زن، سازمان جوانان و ...) را در هر جا که ممکن است، مستقر کرد. د- ایجاد کمیته‌های حزبی و کمونیستی در کارخانه و مراکز کار و محلات و در سطوح مختلف را در دستور میگذاریم.

## نبرد علیه خصوصی سازی

سیاوش دانشور



خصوصی یا دولتی یا اشکال بینابینی نیمه دولتی- نیمه خصوصی است. بعبارت دیگر برای من مزدبگیر که ناچارم هر روز نیروی کارم را برای تهیه لوازم زندگی به سرمایه دار بفروشم، تفاوت ماهوی وجود ندارد که این سرمایه دار به بخش خصوصی تعلق دارد یا بخش دولتی. این اصل "عدم تفاوت"، در صورتی که پروسه تحول مالکیت از دولت به بخش

خصوصی و برعکس، کمترین تأثیری در شرایط کار و دستمزد و مزایا و امنیت شغلی و بیمه و آینده کارگر نمیگذاشت، تماماً موجه بود. اما متأسفانه اینطور نیست، شاید این فرمولبندی در ذهنیت مجرد مکانی پیدا کند اما واقعیت جان سخت تماماً متفاوت از هارمونی فکری گوینده آنست. و این تفاوت از برتری سرمایه دولتی و یا علاقه به دولت بعنوان بزرگترین سرمایه دار در ایران درنیامده است، بلکه حاصل یک تاریخ و تحولات سرمایه داری و همینطور دهه های متمادی مبارزه کارگری است.

### تحولات سرمایه داری معاصر

یک هدف از واگذاری مراکز تولید مادی و غیر مادی به بخش خصوصی، چابک کردن کارکرد سرمایه، کم کردن هزینه های دولت و بعبارتی که امروز بیشتر جا افتاده است "کوچک کردن دولت"، برداشتن قوانین دست و پا گیر و مقررات زدانی برای حرکت سرمایه تحت عنوان تسهیلات، بالا بردن نرخ سوددهی، کوتاه کردن دور گردش سرمایه، تعدیل نیروی کار، زدن بیمه ها و هزینه های جاری کارفرمایان، از بین بردن قراردادهای دستجمعی و استخدام رسمی و مرکزی، قراردادی کردن کار در پریودهای کوتاه مدت تر، باز بودن دست کارفرما برای اخراج و بیکارسازی، حمایت دولتی با تصویب قوانینی در این جهت و جاری کردن انواع قراردادهای روزمزد و سفید امضا و یکماهه و سه ماهه و غیره است.

خصوصی سازی بخشی از تحولات در تجدید سازمان کار در سرمایه داری است که از اواخر دهه هفتاد و اوائل دهه هشتاد در سطح جهانی و در مقیاس وسیع شروع شد و در کشورهایی مانند ایران نیز همین روال بدرجات مختلف پیش رفته است. سازمان کاری که بعد از بحران دهه سی با اصطلاح فوردیسم و مدیریت تیلوریستی و بعدها مدیریت ژاپنی، با تمرکز تولید و صنایع بزرگ و با مکانیزه کردن کار و استاندارد کردن تولید خودکار، بویژه بعد از جنگ دوم و پاسخ به نیازهای بازسازی سرمایه داری شکل گرفت. در ایندوره سوسیال دموکراسی و دولتهای رفاه و اقتصاد کینزی خط مشی حاکم و مدل رشد سرمایه داری است که در متن تقابلهای جهانی سرمایه داری با کمونیسیم، به یک سازش با طبقه کارگر تن داده بود. ایندوره با درجه ای از رفاه و حقوق کارگران، امنیت شغلی، تعهد دولت به شهروند، برسمیت شناسی حقوق و آزادیهای فردی تا آنجا که مخل کارکرد سرمایه نباشد و افزایش مصرف همراه است. با اولین طلوعه های بحران و بن بست بلوک شرق و از نفس افتادن سوسیال دموکراسی در غرب و تعرض راست جدید در آمریکا و انگلستان، تاجریسم و ریگانیسم و مانتیاریسم، با عروج چند ملیتی ها در بازار جهانی، انقلاب انفورماتیک و تحولات در تولید و سازمان کار، گلوبالیزاسیون در کنار ایدئولوژی آنتی کمونیسیم، اصل تعهد جامعه به فرد و تضمین جامعه برای همان تقسیم نابرابر کیک ثروت بین

یکی از جبهه های نبرد جنبش کارگری ایران مبارزه علیه خصوصی سازی بطور کلی و اعتراض و اعتصاب برای لغو خصوصی سازی در شرکتهایی است که طی سالهای گذشته واگذار شده اند. مثالها و موارد معروف تر فراوانند؛ هپکوی اراک، کشت و صنعت مغان، مجتمع نیشکر هفت تپه، کارگران قطار تراورس، خودرو سازیها، صنایع فولاد، شرکتهای وابسته به نفت و گاز، بیمارستانها و مراکز پزشکی و درمانی، مراکز آموزشی و دانشگاهی، شرکتهای متوسط و کوچک از آن جمله اند. این روند عملاً از دوره رفسنجانی و بعد از جنگ ایران و عراق شروع شد و سیاست اقتصادی رفسنجانی که پیشبرد کامل آن با مانع ایدئولوژیکی و هویتی رژیم اسلامی روبرو شد، در دولتهای بعدی بدرجات مختلف ادامه یافت. تغییرهای مکرر در قانون کار، ایجاد مناطق آزاد تجاری در گوشه گوشه ایران که عملاً قانون جنگل بر آنها حاکم است، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی با فتوای خامنه ای و تسریع این روند در دولتهای احمدی نژاد و روحانی، نتایج دهشتناک خود را برای امنیت شغلی و شرایط معیشتی و کار و زندگی طبقه کارگر ایران ببار آورده است.

### سرمایه خصوصی- سرمایه دولتی

در بحث تقابل با خصوصی سازی شرکتهای و مراکز صنعتی، همواره با یک تقابل کاذب و رتوریک روبرو بوده ایم. این نکته توسط خود ما مرتباً تأکید شده است که مقابله با خصوصی سازی، جدالی برسر مطلوبیت کارفرمای دولتی در مقابل کارفرمای خصوصی، دفاع از سرمایه دولتی در مقابل سرمایه خصوصی، توهم به سرمایه دولتی و مسائلی از این دست نیست. این نوع بحث تماماً به عدم درک آنچه رخ داده و در جریان است متکی است. برای مارکسیست ها و کارگران کمونیسیت و سوسیالیست روشن است که مسئله اساسی نفی سلطه سرمایه و دولت سرمایه داری و مناسبات حاکم موجود است. مبرهن است که هر نوع جانبداری سیاسی از یکی از اقشار سرمایه، نیروی طبقه کارگر را به سرباز دون پایه رقابت سرمایه ها بدل می کند. واضح است که سرشت سرمایه در اساس خودافزایی و انباشت از طریق استثمار کار مزدی و تشدید آن بطرق مختلف است. لذا تقلیل بحث به دفاع از سرمایه و مالکیت دولتی در تقابل با سرمایه و مالکیت خصوصی موضوعیت ندارد. در این واقعیت هم تردیدی نیست که یک گرایش رفرمیستی همواره وجود داشته است که مدافع سرمایه داری دولتی و دخالت بیشتر دولت در اقتصاد بوده است که ما کمونیسیت ها بدرست با این گرایش مخالفیم. اما تعمیم و بسط این مخالفت عملی و سیاسی به هر مبارزه علیه خصوصی سازی، میتواند به استنتاجات و تقابل های کاذب خصوصی- دولتی میدان دهد. بحث اساساً برسر منافع آتی و آتی کارگران و پیامدهای روند خصوصی سازی بر کار و زندگی طبقه کارگر است.

اولین نکته این است که برای کارگر، برای طبقه ای که در سرمایه داری براساس قانون بردگی مزدی کار و زندگی میکند، در نگاه اول تفاوتی وجود ندارد که کارفرمای استثمارگرش وابسته به بخش

## نبرد علیه خصوصی سازی ...

شهروندان، دوران پست فوردیسم آغاز می شود. دوره ای که صنایع بزرگ به کشورها و حوزه های کار ارزان انتقال می یابند و قراردادهای تجاری بین المللی و منطقه ای رواج پیدا میکند. بدنبال قرارداد نفتا در آمریکای شمالی، مثلا در ماکیلادورای مکزیک کارگر با روزی دو دلار بجای کارگر آمریکائی و کانادائی که ساعتی سی تا چهل دلار حقوق می گرفت، ماشین فورد و کرایسلر را تولید میکند. تولید انبوه با مدیریت تیلوریستی جای خود را به تخصص حرفه ای متناسب با تحولات تکنولوژیکی و نظارت بر اجرای مقررات در سیستم فوردیستی جای خود را به مقررات زدائی در پست فوردیسم میدهد. تحولی که حقوق و دستاوردهای سالهای طولانی طبقه کارگر را در مقیاس وسیع مورد تهاجم قرار داد. نتیجه این تحولات امروز اینست که چین به بزرگترین کارگاه جهان بدل شده و کشورهایمانند بنگلادش و هندوستان از جمله مراکز تولید کالاهای شرکت های بزرگ و مزن های بین المللی پوشاک است. در سیستم فوردیستی کارفرما میتوانست دولتی یا خصوصی باشد اما حقوق کار و بالا رفتن سطح دستمزدها و قراردادهای ایمن جمعی عمدتا توسط اتحادیه ها و سازمانهای کارگری، جزو لاینفک آن بود و به این معنا برای کارگر تفاوتی نداشت که کارفرما سرمایه دار بخش خصوصی یا دولتی است.

### شرکتهای پیمانی

شرکتهای پیمانی یکی از نتایج تحولات در سازمان کار است که در چند دهه گذشته با سرعت سرسام آوری در تمام قلمروهای زندگی مانند انگل ها رشد کردند. شرکت های پیمانی پدیده ای شبیه دلال و واسطه بین کارگر و شرکت مربوطه است. کارگر نفت و ایران خودرو بعنوان مثال دیگر استخدام رسمی وزارت نفت و مجتمع ایران خودرو نیست، بلکه عمدتا و امروز میتوان گفت کسر حدود نود درصد از نیروی کار، مستقل از اینکه کجا کار میکند و چه تخصصی دارد، از طریق یک شرکت پیمانی واسطه مشغول به کار است. پرستاران شرکتی، معلمان پیمانی، کارگران پیمانی و قراردادی، کارگران رسمی، انواع قراردادهای این سیمای کنونی بازار کار است. دیگر پدیده ای بنام امنیت شغلی محلی از اعراب ندارد. کارگر نفت بعد از نه سال سابقه کار هنوز قراردادی و پیمانی است و وزارت نفت حاضر به استخدام مستقیم آنها نیست. شرکتهای پیمانی کارشان تامین نیرو در بخشهای مختلف یک خط تولید است. تولید یک پروسه واحد است که اجزای آن با تقسیم کار و مدیریت از هم منفک میشود. کارگر نفت بعنوان مثال در هر قسمت استخراج، تولید، پالایش، سویچینگ، پایپینگ، اداری، انبار، ترانسپورت و ... کار کند، قبلا کارگر نفت و استخدام رسمی وزارت نفت بود. از قرارداد رسمی و مزایای استخدامی و سطح حقوقی وزارت نفت برخوردار بود. در شرکتهای دیگر و بخشهای خدماتی و درمانی و آموزشی نیز به همین ترتیب. امروز دستکم ده ای بیست شرکت پیمانکاری در هر شرکت کار میکنند که با شرکت مربوطه قرارداد می بندند که این تعداد نیرو با تخصص و توانائی معین را نیاز دارد و این مقدار حقوق برای آن می پردازد. شرکت پیمانی سراغ تامین نیرو میرود و سعی میکند با ارزانترین قیمت نیروهای مربوطه را در هر بخش استخدام کند. در این میان شرکت پیمانی طرف حساب مثلا کارگران پایپینگ است و نه شرکت نفت. وزارت نفت برای کارگری که برایش کار می کند تعهدی

ندارد، بلکه با کارفرمای شرکت پیمانی طرف است و کارگر نیز به همین ترتیب. یکی از کارگران فولاد در این زمینه میگفت در یک محوطه شش متری حدود ده کارگر برای انجام وظایف مختلف کار میکردیم و حقوق ها تا چند میلیون تفاوت داشت، هر یک با دو نفر استخدام یک شرکت معین پیمانی بودند. این یعنی قضای طبقه کارگر و کارگران یک صنعت معین بین کارفرمایان متعدد پیمانی، عواقب بسیار وخیمی ببار آورده است. از کاهش مرتب حقوق و مزایای کارگری تا بیمه ها که اصولا پرداخت نمی شود، از عدم امنیت شغلی تا محرومیت از مزایای استخدامی در شرکتی که فی الحال و بعضا سالها برای آن کار میکنی، از ایجاد تبعیض رسمی و قانونی بین کارگران تا ایجاد رقابت و شکاف براساس محل تولد و مذهب و ملیت و غیره، همه با هدف جلوگیری از اتحاد کارگران برای درد مشترک صورت گرفته است. کارگر وقتی میخواهد اعتصاب کند و یا از کارگر بغل دستی حمایت کند، با این مسئله مواجه است که شما استخدام شرکت دیگری هستی و به تو ربطی ندارد. چرا که وجود شرکتهای متعدد در دل یک شرکت و محل کار واحد، نه فقط از اتحاد و یکدلی کارگران جلوگیری میکند بلکه اساسا برای ارزان تر کردن کل هزینه تولید با تشدید استثمار و حقوق های پائین، بالا بردن سطح رقابت و صنفی گری میان کارگران، مانع از وحدت و تشکل کارگری و اعتراض و اعتصاب، بشدت سخت کردن کار سازمانده و رهبران کارگری، ایجاد ناامنی برای کارگر که هر لحظه و به هر بهانه ای بتوان اخراج کرد، و مهمتر رفع مسئولیت تام از شرکت مادر و وزارتخانه ها و ارگانهای تابعه در قبال کارگر است. کارگر را به شرکت پیمانی بعنوان واسطه سپرده اند و شرکت پیمانی این وسط سهم مهمی از دستمزد کارگر را بالا می کشد و به کارفرمایان این سرویس را میدهد که قانونا تعهدی نداشته باشند. وجود چند ده هزار شرکت پیمانی در ایران و در رده های مختلف میتواند یکی و فقط یکی از مشکلات عدیده طبقه کارگر را ترسیم کند. شرکتهای که بخشا توسط خود کارفرمایان با اسامی دیگری افتتاح و ثبت می شوند و هدفی جز دادن دستمزد کمتر، فقدان مسئولیت و ایجاد ناامنی بیشتر برای کارگر جهت تبعیت برده وار ندارند. شرکتهای پیمانی یک زنجیره برده داری مدرن است که همه جای دنیای سرمایه داری امروز وجود دارد و یک فرد یا یک اتاق و یک آگهی تحت عنوان شرکت ایکس مشغول بکار است و حتی راسا کمترین تخصصی در آن کار ندارد. یک مشت زالو، مفتخور، گردنه بگیر، دزد و قیچ، که هر از چندگاهی اعلام ورشکستگی می کنند و یا با حقوق کارگران ناگهان غیب می شوند یا دستجمعی کارگران را بیکار می کنند! شرکتهای پیمانی دوقلوی خصوصی سازی و جزو لاینفک واگذاری اموال عمومی به سرمایه داران بخش خصوصی هستند و یک وجه مهم تقابل با خصوصی سازی بناچار تقابل با شرکتهای پیمانی است.

### بازار بورس

یک وجه دیگر این تحولات مالی سازی و قدرنگیری سرمایه مالی و بانکی و گسترش بازار بورس است. بازار بورس در سرمایه داری قدیمی است اما در تحولات دهه های اخیر، بورس سرمایه، بورس کالا، فروش از طریق بورس یک نرم است و بازار بورس و شاخص های بورس یک رکن فعالیت اقتصادی و خیر روز است. در این میان شرکتهای صنعتی و غیر صنعتی تا بیمارستان و مراکز آموزشی و بیشتر آنچه که در بازار مبادله می شود، امروز در بازار بورس حضور دارد و یا تدریجا بصورت سهام عرضه می شود. تا به بحث ما مربوط میشود، در کنار شرکتهای پیمانی شرکتهای سرمایه گذاری متعدد نیز ایجاد شدند که کارشان اینست که سهام شرکتهای، صندوق

گردند. اما شش ماه طول نکشید که همان هیئت داوری رایش را در آبانماه عوض کرد و مجدداً تراورس را به همان گروه فاسد بازگرداند! معامله ای بین دولت و کارفرما و سازمان خصوصی سازی و شرکا صورت گرفت و کار و زندگی و موقعیت شغلی هفت هزار کارگر وجه المصلحه قرار گرفت. اعتصاب سراسری و مکرر کارگران ریل آهن بدلیل فقدان ایمنی محیط کار، حقوقهای معوق، بلاتکلیفی وضعیت شرکت و اعتراض به این رای هیئت داوری صورت می گیرد.

### مخالفت با خصوصی سازی

امروز در میان بخشهای مختلف طبقه کارگر مخالفت با خصوصی سازی بشدت بالا گرفته است. مسئله روشن است و با کلیشه "سرمایه، سرمایه است و خصوصی و دولتی فرقی ندارد" نمیتوان به این معضل جواب داد. فرض حاکم بر این کلیشه شرایط یکسان است، اما دیگر در دوره فوردیسم زندگی نمی کنیم، هرچند همان زمان هم شرکتیهای معتبرتر دولتی و بزرگ خصوصی با مراکز کوچک تر فرق داشتند. ماحصل این روند نابودی کارگران و تمام دستاوردهائی بوده است که طی دهه های متمادی بدست آورده اند. مخالفت کارگر با خصوصی سازی نه از عشق به دولتی شدن و کارفرمای دولتی، بلکه بدلیل عواقب بلافصل خصوصی سازی بر موقعیت شغلی، ایمنی کار، امنیت شغلی، قراردادهای دستمزدها، مزایا، سیاستهای تولیدی، تعدیل نیروی کار و حراج اندوخته های کارگران در بازار بورس است. بعبارت دیگر کارگری که نزدیک دو سه دهه کار کرده است و اگر شانس یاری کند و در محل کار در شرایط ناامن به قتل نرسد و بازنشسته شود، امیدش بیمه بازنشستگی است. با این روند عمدتاً آواره خیابان می شوند، بیکار و از زندگی ساقط و سر پیری به فردی ورشکسته بدل میشود که هیچ جا جوابش را نمی دهند. در مواردی سرمایه دار همراه با سرمایه عظیمی فرار کرده است و یا شرکت را به فرد ثالثی فروخته است، نه فقط کارگر خبر ندارد بلکه مالک جدید اساساً تعهدی در قبال کسی ندارد و مثلاً میخواید شرکت و ماشین آلات را اوراق کند و بسازد و بفروشد راه بیاندازد. به وضعیت هپکو و آذراب و بسیاری از شرکتها نگاه کنید تا منشأ اعتراض کارگران را دریابید.

### چه باید کرد؟

مبارزه ای که علیه خصوصی سازی در گوشه گوشه جامعه در جریان است را باید در وضعیت کنکرت سیاسی ایران ضرب کرد. تفاوت بزرگی بین مبارزه کارگران مثلاً هندوستان با کارگران ایران در مبارزه با خصوصی سازی وجود دارد. در ایران ما با یک بحران سیاسی و حکومتی روبرو هستیم که فعلاً دولت هندوستان با آن روبرو نیست. بعبارت دیگر مبارزه علیه خصوصی سازی در ایران نه تنها به یک مبارزه گسترده سیاسی علیه حکومت و علیه فعال مایشائی سرمایه گره خورده است بلکه بر اهمیت تعیین کننده حضور طبقه کارگر در قلمرو سیاسی در متن این اوضاع تاکید می کند.

حزب حکمتیست همراه با کارگران براین خواستها بعنوان فشرده این مبارزه و شعارهایی که باید برجسته شود تاکید دارد:

- ۱- حذف شرکتیهای پیمانکاری از سازمان کار. شرکتیهای پیمانی ملغی باید گردند.
- ۲- لغو و ممنوعیت قراردادهای روزمزد و سفید و موقت و پیمانی. انعقاد قرارداد دستجمعی کارگران با کارفرمایان. استخدام

## نبرد علیه خصوصی سازی ...

های بیمه و بازنشستگی را در بازار بورس سرمایه گذاری کنند و یا با شرکتیهای معین جهت تداوم فعالیت اقتصادی سرمایه اولیه را تامین کنند. دست اندازی به اندوخته های طبقه کارگر و صندوق های بیمه و بازنشستگی و قمار با آن در بازار بورس بدون اینکه فرد خودش اختیاری بر آن داشته باشد، یک وجه دیگر این تحولات است. اینروزها زیاد با این موضوع برخورد می کنید که کارگران مثلاً معادن اعتراض دارند که مخالف واگذاری سهام معدن یا صندوق بیمه فولاد به بازار بورس هستند و برای جلوگیری از این اقدام دست به اعتصاب میزنند. مثل اینست یکی آمده منزل شما را بدون اجازه شما به کسی دیگر میفروشد و به شما قول میدهد که برایتان سود می آورد! این مجموعه و تبعات آن که بسیاری اوقات بدور از چشم کارگر و با توافق کارفرمایان صورت می گیرد، از وجوه مبارزه کارگران با خصوصی سازی است.

### سازمان خصوصی سازی، هیئت داوری

سازمان خصوصی سازی وابسته به وزارت اقتصاد وظیفه واگذاری شرکتها به بخش خصوصی را دارد. این سازمان برای خصوصی سازی در جمهوری اسلامی مواردی را در نظر گرفته که تحرک تولید و کسب سود و رشد اقتصادی و طبعاً مدیریت و توانائی و تخصص و ایجاد اشتغال، از رئوس فرمال آنند. میگویم فرمال، چرا که در کشورهایی که اقتصاد حساب و کتابی دارد این هنوز رعایت نمی شود. در ایران که یک تورنمنت بچاپ بچاپ راه افتاده است و همه چیز در دست هزارفامیل جمهوری اسلامی است، حتی سوال کردن هم جرم محسوب میشود. خصوصی سازی در ایران با یک فساد گسترده و نابودی مراکز صنعتی و بیمارستانی و آموزشی عجین است که بیکاری وسیع و به خاک سیاه نشاندن صدها هزار خانواده کارگری از نتایج آنست. کیس هفت تپه یکی از موارد بیشتر شناخته شده است اما دهها هفت تپه در ایران وجود دارد. مواردی که مسئله خصوصی سازی با بحران حاد روبرو شده و اعتراض کارگران به یک مسئله سیاسی بدل شده است، جمهوری اسلامی تلاش کرده با مدیریت مسئله عقب بنشیند و مواردی که چنین زوری بالای سرش نبود، هرطور مایل بوده رفتار کرده است. اگر واگذاری یک شرکت و خصوصی سازی به هر دلیل فسخ شود، این هیئت داوری دیوان محاسبات کشور است که باید در مورد آن رای بدهد که افراد نشسته در این ارگان نیز ترکیبی از اعضای اتاق بازرگانی و کسانی است که خط مشی اقتصادی هار بازار آزادی را تعقیب میکنند. در مورد هپکو در ماههای قبل و دشت مغان در روزهای اخیر، هیئت داوری رای به بازگشت به بخش دولتی داده است. اما مورد کارگران راه آهن بشدت تاسف بار است. شرکت تراورس، همان نگهداری خطوط ابنیه فنی راه آهن در کشور است که بیش از ۷۰۰۰ کارگر دارد. تراورس را به شرکت "امیر منصور آریا" واگذار کردند که از پیشگامان مشهور اختلاس و فساد سه هزار میلیارد تومانی است و خود وی نیز اعدام شد. بدنبال این فساد و جنجال حول آن، هیئت داوری دیوان محاسبات در اردیبهشت ماه سال جاری شرکت تراورس را به دولت و شرکت راه آهن بازگرداند. در این فاصله آوار خصوصی سازی و فساد گروه آریا برسر کارگران خراب شده بود و بدلیل مسدود شدن حسابهای این شرکت، کارگران برای دریافت حقوق و مزایا با مشکلات جدی روبرو بودند. با اینحال کارگران امیدوار بودند که به روال بهتری برمی

## نبرد علیه خصوصی سازی ...

رسمی با حقوق و مزایای مربوطه در شرکت مادر.  
۳- خصوصی سازی باید متوقف شود. دولت موظف به قبول تعهدات و تضمین حقوقی است که در پروسه واگذاری و خصوصی سازی از کارگران سلب شده است.

۴- کارگران مخالف واگذاری اموال عمومی، معادن، جنگلها، کارخانجات به افراد حکومتی یا واگذاری صندوق های بیمه و بازنشستگی و سهام کارخانه و معدن به بازار بورس هستند.

۵- اعمال نظارت کارگران بر امور در محیط کار و تولید. کارگران خواهان اعمال نظارت کارگری بر عملکرد کارفرمایان و دولت هستند.

مبارزه علیه خصوصی سازی امروز پرچمی برای دفاع از منافع کارگری در رابطه کارگر و کارفرما و بهبود شرایط شغلی و حقوقی کارگران است. این شعار در شرایط سیاسی امروز ایران مطالبه ای سلبی است و به یک معنا به مصاف سیاستهای اساسی اقتصادی جمهوری اسلامی طی یکدوره بیست ساله می‌رود. در عین حال در متن سیاست امروز ایران و کشمکش برسر بود و نبود حاکمیت اسلامی، جنبش کارگری با مطالبه نه به مالکیت خصوصی به مالکیت دولتی قناعت نمی کند و جدال برسر مالکیت بطور کلی را بجلو می‌راند. این بویژه در شرایط وخیم اقتصادی ایران و نیاز به یک راه حل کارگری و سوسیالیستی جایگاه این خط مشی تاکتیکی را صدچندان تاکید می کند.

۱۱ دسامبر ۲۰۲۰

## در دفاع از اعتراضات برحق مردم در کردستان عراق!

طی روزهای گذشته مردم کردستان عراق در اعتراض به عدم پرداخت حقوقها، به بیکاری و فقری که دامنگیرشان شده است، اعتراضات و نارضایتی خود را در شهرهای کردستان علیه دولت اقلیم دوباره از سر گرفته اند. طی سالهای گذشته زندگی مردم، بخصوص طبقه کارگر و قشر زحمتکش و معلمان و کارمندان در سایه دو حزب بورژوازی حاکم روز به روز بدتر و فقر و فلاکت آنان بیشتر شده و در مقابل احزاب حاکم و وابستگان آنان و سرمایه داران نوپا، ثروت و سامان جامعه را درچنگ خود گرفته و فقر و بیکاری غیر قابل وصفی را به مردم تحمیل کرده اند.

مردم از این شرایط تماما به تنگ آمده اند. هرچند ماه یکبار حقوق معلمان و کارمندان پرداخت می شود و کارگر و زحمتکش بماند که در این شرایط بحرانی و بیکاری چه رنج و مشقتی را دارند بر دوش میکشند.

اعتراضات مردم در روزهای گذشته از طرف نیروهای سرکوبگر حکومت اقلیم، بخصوص در شهر سلیمانیه سرکوب شده و تعداد زیادی زخمی و دستگیر شده اند. همچنین امروز شنبه مردم خشمگین در شهرک "پیره مگرون" به مقر احزاب حاکم حمله کرده و این مقرات را به آتش کشیده اند.

دولت اقلیم در طول سالهای گذشته در مقابل اعتراضات مردم به وضعیت وخیم اقتصادی و عدم پرداخت به موقع حقوقها، به بهانه عدم پرداخت بودجه کافی از جانب دولت عراق، از پرداخت به موقع حقوق کارمندان و معلمان و رسیدگی به مطالبات اقتصادی و معیشتی مردم به این بهانه ظفره رفته و یا به سرکوب اعتراضات آنان دست زده است. واقعیت امروز جامعه کردستان این است که اکثریت مردم به دلیل فقر، بیکاری و معیشت چند درجه زیر خط فقر نه تنها از احزاب حاکم، که از احزاب پارلمانی و اپوزسیون که کوچکترین خاصیتی برای زندگی مردم ندارند، بیزارند و از این شرایط به تنگ آمده و دیگر امیدی به بهبود اوضاع اقتصادی و معیشتی خود تحت حاکمیت این احزاب ندارند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست، سرکوب اعتراضات مردم در روزهای اخیر بخصوص در شهر سلیمانیه را قویا محکوم می کند و از اعتراضات برحق مردم، از خواست و مطالبات برحق آنان تماما حمایت می کند. رفاه، سلامت و معیشت، امنیت اقتصادی و زندگی بدور از فقر و فلاکت و بیکاری و اختناق را حق مسلم و بی چون و چرای مردم کردستان، تحقق این چنین زندگی را در گرو اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده جامعه کردستان علیه احزاب بورژوازی حاکم می داند.

در عین حال همچنانکه مردم آزادیخواه کردستان، بدرست در این اعتراضات با صدای بلند خواهان رفتن احزاب حاکم و کوتاه کردن دست آنان از زندگی خود شده اند، راهی جز اعمال اراده و حاکمیت مردم از پائین، از طریق شوراهای مردمی و کارگری برای تحقق این آرزو در مقابل مردم قرار ندارد. وظیفه سازمانها و احزاب پیشرو و چپ و کمونیستی است که در کنار مردم آزادیخواه کردستان به این آرزو جامعه عمل بپوشانند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۶ دسامبر ۲۰۲۰

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را

همه جا برپا کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا

کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا

ارگان حاکمیت!



## نان قسطی،

## ارمغانی دیگر از جمهوری اسلامی!

ملکه عزتی



تنها سهم مردم کارگر و زحمتکش از برکات این حکومت جنایتکار و همه دولتهای فاسد و سرکوبگر فقر و ناداری و سرکوب و اعدام و استبداد و کشتار در خیابان و زندان بوده است. داس "ناموس" برسر زنان و چکمه استبداد و چوبه دار بر گردن هر آنکس که فریاد حق طلبی و آزادیخواهی سر داده، آماده است. زمانیکه سردمداران حکومت ارتجاعی

نوپای اسلامی، انقلاب ۵۷ را مصادره کردند با پررویی و وقاحت خارج از تصور گفتند: "عزت و احترام را به شما برمیگردانیم!" در فردای همان روز سرکوب زنان و هتک حرمت از آنان در دستور کارشان قرار گرفت و حجاب را با ضرب اسید و پونز برسر آنان کردند. در سایه جنگ هشت ساله با عراق قریب سه میلیون کشته و زخمی برای طرفین برجای گذاشت. تلفات ایران از جنگ ۸ ساله بروایتی ۱۹۰ هزار کشته، ۶۷۲ هزار مجروح، ۹۷ میلیارد دلار خسارت سهم مردمی شد که هیچ ربطی به این جنگ نداشتند. زندگی و معیشت کارگر و مردم محروم هر روز محدودتر و بی رونق ترشد. چرخ زندگی این مردم محروم در حاکمیت جمهوری اسلامی و در طی این سالها فقط و تنها بر مدار فقر و بیکاری و بی خانمانی و سرکوب چرخیده است. بعد از گور خوابی و فروش اعضا بدن امروز دامنه این فقر به نان قسطی رسیده است. سالهاست با وقاحت تمام نشدنی زندگی و حیات کارگر و مردم زحمتکش را گرو گرفته اند، شلاقشان میزنند، زندانشان میکنند در خیابان و کارخانه به خاک و خونشان میکشند تا امروز به جایی رسیده اند که نان خشک سفره شان را هم باید از قیل گرو نهادن کارت ملی تهیه کنند.

در شرایطی که طبق گفته خودشان خط فقر ۱۰ میلیون تومان اعلام شده حقوق کارگر به یک سوم این میزان هم نمیرسد. سبب معیشت یک خانوار چهار نفره کارگری اگر ۱۰ میلیون تومان هم باشد معنی عملی آن مساوی است با اینکه، آنها تنها از عهده تهیه حداقل خوراک و تحصیل و اجاره خانه برمیایند! در این ویرانه ای که اسمش را "وطن" گذاشته اند و به جرم "اغتشاش" و به خطر افتادن "امنیت ملی" آن آدمها را قصابی میکنند و بر سر دار میفرستند، نه امنیتی مانده و نه غروری. کودکان قربانی تجاوز جنسی قاری کتاب کثیف "آسمانی" میشوند، زنان روزانه و مداوم مورد خشونت و تعدی و بی حرمتی قرار میگیرند و کارگران با شلاق سرمایه مورد تحقیر و توهین قرار میگیرند. انسانهایی که تا سال گذشته در صف خرید نان منتظر نوبتشان میشدند امروز در سایه دولت "تدبیر و امید" با کارت ملی در دستانشان بعنوان سند ضمانت منتظر خرید قسطی نان هستند!! شرمناک باد! آنچه که امروز شاهد آن هستیم جز فلاکت و فروپاشی زندگی مردم محروم هیچ تعبیر دیگری ندارد. ورشکستگی اقتصادی همراه بن بست و تنگنای سیاسی بیان حال این جامعه است. مردم هر روزه با یک مصیبت جدید دست و پنجه نرم میکنند. سیل در جنوب کشور نیمچه زندگی مانند و خانه های محقر مردم محروم را ویران می کند، کولبران روزانه درازای تامین زندگی جانشان را میدهند و از یکسال قبل هم کرونا به جان مردمی افتاده که دولت حتی توان تامین اکسیژن مورد نیاز بیماران مبتلا شده به کرونا را ندارد. روزنامه های رسمی و دولتی خبر از حذف ۷۰ درصدی مواد غذایی پروتئینی از سفره کارگران بیکار شده و یا با حقوق های معوقه را میدهد. این جامعه جز با زیر و رو شدن همه بنیادهای

مردم برخی مناطق کشور مثل سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بوشهر از فرط فقر و ناداری به خرید نان نسیه رو آورده اند. آنها کارت های ملی خود را نزد نانوایان گرو می گذارند و سر ماه با پارانه های ناچیز خود تسویه می کنند. یکی ۱۵ هزار تومان بدهکار است و دیگری فقط ۳ هزار تومان. بدهی یکی به ۷۰ هزار تومان می رسد و نانوا را شاکی کرده است. نانوائی فقیر می گوید که دست خودش هم تنگ است و آنقدرها نمی تواند نسیه فروشی کند.

با خواندن این خبر به همه کالاهایی که میشود آنها را قسطی خرید فکر کردم اما نان در میان آن اقلام نبود. اساس خرید قسطی پدیده ای است که بانکها و موسسات مالی جهت کسب درآمد بیشتر از طریق بهره تعیین شده به وام یا جنس خریداری شده آن را ابداع کرده اند و بخش عمده ای از درآمد بانکها به این سیستم گره خورده است، گاهی نرخ بهره از ۲۰٪ هم بیشتر است. خرید خانه قسطی، ماشین قسطی، وسایل خانه قسطی و الخ ... از مواردی است که بطور معمول تعجب کسی را موجب نمیشود. اما روزی که خبر خرید نان این رایج ترین قوت روزمره اقشار کم درآمد جامعه را به شکل قسطی میشنوی آنوقت باید برای هضم این خبر ساعتها وقت بگذاری. نان سنتا از اقلام غذایی است که مصرف روزانه دارد. فقیر و غنی کم تا بیش برای وعده های غذایی به نان وابسته هستند. البته پر واضح است خرید قسطی آن شامل همه نمیشود. خرید قسطی و گرو گذاشتن کارت ملی در قبال بردن چند قرص نان و شرمندگی تامین قسطی نان معضل آنان که فقر و ناداری و گرسنگی را هرگز تجربه نکرده اند نیست. صاحبان ثروت و قدرت که حتی در بلایای طبیعی و فجایع انسانی هم حجم ثروت و سرمایه شان با سرعت نجومی صعود میکند قطعا از پدیده خرید قسطی نان چیزی نشنیده اند. راز حقوق های نجومی مسئولین و درآمدهای میلیاردی سرمایه دارها دقیقا این وضعیت نابرابر در سطوح مختلف جامعه است.

خبر نان قسطی با گرو گذاشتن کارت ملی زمانی در رسانه ها منتشر میشود که در ردیف اقلام کمی در بودجه سال ۱۴۰۰ دولت روحانی شاهد تخصیص بودجه حدود ۸ میلیارد تومان دولت به بنیاد قاسم سلیمانی هستیم. حوزه های جهالت و پخش خرافات در کشور با مبالغ سرسام آور تامین مالی میشوند و همزمان از بودجه آموزش و پرورش به طرز چشمگیری کاسته میشود. رقم سرسام آوری از بودجه جهت تشویق و بالا بردن سطح دروغ پراکنی و پرونده سازی برای فعالین سیاسی و اجتماعی به صدا و سیما اختصاص داده میشود. درمقابل دولت "تدبیر و امید" شاید تصویب کند مردم محروم مناطق فقیر نشین و فاقد امکانات چندین کارت ملی داشته باشند که بتوانند دایره خریدهای قسطی را توسعه دهند. در آینده شاید راهی باز شود بلکه گوشت و مرغ و لبنیات و ... را هم بتوان در مقابل گرو گذاشتن کارت ملی تامین کرد.

## نان قسطی، ارمانی دیگر از جمهوری اسلامی ...

سرکوب و از بین رفتن ریشه نابرابری و استثمار با هیچ فرمول دیگری قابل درست شدن نیست.

طیف های حکومتی اصلاح طلب و اصولگرا از فرط سیری حاصل از دزدی و اختلاس و شیادی امروز کنار گود نشسته و در حالی که نظاره گر از هم پاشیدن زندگی مردم محروم و زحمتکش جامعه هستند به فکر تعیین رییس جمهور مورد نظرشان برای سال ۱۴۰۰ هستند. یکی با کاراکترهای قمه کش و قاتل نظامی در خیال نجات کشتی به گل نشسته حاکمیت است و یکی بفکر پیدا کردن چهره شیداد اصلاح طلبی است که چند صباحی دیگر برای جمهوری اسلامی عمر بخرد و سران این طیف را بر گرده مردم منتفر از این حاکمیت سوار کند. هیچیک از اینها حقوق معوقه ندارند و هیچکدام شاهد مرگ عزیزانشان بخاطر نداری و فقر و گرسنگی نبوده اند و مهمتر از هر چیز هیچکدام از اینها در صف نان قسطی با سر خم شده و کارت ملی در دست نایستاده اند.

اینها را یکبار و برای همیشه باید ادب کرد، باید توی دهنشان زد و آب پاکی را روی دستشان ریخت. باید با سر برافراشته و مشت گره کرده با صف متحد و همبستگی طبقاتی در مقابل هر ترفند و توطئه که بخواهد چند سالی دیگر حاکمیت اسلامی را بر گرده مردم سوار کند و برای این جانیان قداره بند عمر بخرد ایستاد و اعلام کرد ما شما جانیان سرکوبگر را از اصولگرا و اصلاح طلب از اریکه قدرت به زیر میکشیم و اجازه نمیدهیم یکبار دیگر حرمت و کرامت کارگر و زحمتکش جامعه در صف خرید نان قسطی از بین برود!

۹ دسامبر ۲۰۲۰

## بار آوری کار و بیکاری

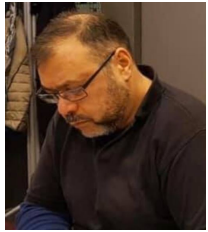
بهبود تکنیک و افزایش بار آوری و قدرت مولده کار، به معنی جایگزینی هرچه بیشتر نیروی کار زنده با دستگاهها و ماشین آلات و سیستم های اتوماتیک است. در یک جامعه انسانی و آزاد این قاعدتا به معنای فراهم شدن فرصت بیشتر برای فراغت و لذت بردن از زندگی برای همه است. اما در جامعه سرمایه داری، که نیروی کار و وسائل کار صرفا کالاهایی هستند که سرمایه با هدف کسب سود در اختیار گرفته است، جایگزینی ماشین بجای انسان بصورت بیکاری و بیکارسازی دائمی بخشی از طبقه کارگر، و محروم شدنش از امکان تامین معاش، نمودار میشود. پیدایش یک ارتش ذخیره از کارگران بیکار، که حتی امکان فروش نیروی کار خویش را ندارند، یک نتیجه جبری روند انباشت سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. وجود ارتش ذخیره ای از بیکاران، که اساسا به هزینه خود بخش شاغل طبقه زنده نگاهداشته میشود، رقابت در صفوف طبقه کارگر را تشدید میکند و سطح دستمزد را در حداقل ممکن پائین نگاه میدارد. این ارتش ذخیره همچنین امکان میدهد سرمایه با سهولت نیروی کار مورد استفاده خود را به تناسب نیازهای بازار کاهش یا افزایش بدهد. بیکاری، یک عارضه جانبی بازار و یا نتیجه سیاست غلط این یا آن دولت نیست، بلکه جزء ذاتی کارکرد سرمایه داری و جریان انباشت سرمایه است.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب

## دولت موظف به تامین نیازهای معیشتی، درمانی و بهداشتی

## شهروندان در شرایط گسترش پاندمی کرونا است!

## مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!



## نادر شریفی

# وضعیت اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی

شیوع ویروس کرونا رشد منفی اقتصاد کشور به زیر ۱۵ درصد رسیده است. مرکز پژوهش های مجلس جمهوری اسلامی اعلام کرده است که جمهوری اسلامی تنها در بودجه عمومی امسال خود، چیزی حدود ۲۴۰ - ۱۸۵ هزار میلیارد تومان کسری بودجه خواهد داشت. این سیر در سال آینده حتی شدت خواهد گرفت. دولت روحانی صرفنظر از این واقعیت که

جمهوری اسلامی حتی با توافق فوری با آمریکا و اتحادیه اروپا نخواهد توانست طی دو سال آینده نفت خود را بقیمت ۵۰ دلار بفروشد، بودجه سال آینده خود را بر همین اساس تعیین کرده است. دولت روحانی با قصد تصویب قرارداد همکاری ۲۵ ساله با چین، تصور میکرد که بتواند حداقل به بخشی از بحران اقتصادی جمهوری اسلامی جواب بدهد که آنهم هم با مشکلات تبادلات ارزی و با مخالفت جدی در جامعه روبرو شده است.

طرف دیگر بحران اقتصادی جمهوری اسلامی وضعیت غیرقابل باور طبقه کارگر ایران است. هرچند که روی کاغذ حداقل حقوق و دستمزد کارگران از ۸۸.۱ میلیون تومان به ۵۱.۲ میلیون تومان در سال گذشته افزایش یافته است. اما با در نظر گرفتن قیمت خرید دلار با پول ملی، حداقل دستمزد از ۲۷۷ دلار در سال ۲۰۱۶ به ۱۰۸ دلار در سال ۲۰۲۰ سقوط کرده است. نتیجتاً حداقل دستمزد طبقه کارگر ایران طی سه سال گذشته حداقل ۶۲ درصد سقوط کرده است. بنابر این قدرت خرید طبقه کارگر حداقل طی پنج سال گذشته ۷۰ درصد کاهش داشته است و این بشرطی بود که قیمت اقلام غذایی، زندگی، دارویی و غیره ثابت می ماند. چیزی که بطور روشن اینطور نبوده است. بنابر این حدودن ۶۰۰ درصد قیمت املاک و بنابر این اجاره ها افزایش داشته اند، مواد غذایی و بهداشتی تنها در هشت ماه گذشته ۵۰ تا ۶۰ درصد افزایش قیمت داشته اند. این یعنی حداقل ۸۵ درصد از طبقه کارگر ایران زیر خط فقر مطلق زندگی میکنند. به این تعداد ۱۰۰ درصد باننشستگان کشور را هم باید اضافه کرد. با شیوع پاندمی کرونا تنها در پنج ماه سال جاری ۵ درصد از جمعیت کشور، یعنی ۲.۴ میلیون حقوق بگیر، به صف بیکاران و در نتیجه به افرادی که مطلقاً زیر خط فقر زندگی می کنند، اضافه شده است. آمار رسمی اعلام می کنند که نرخ تورم در سال ۲۰۱۸ بیش از ۲.۳۴ درصد و در سال ۲۰۱۹ بیش از ۱.۴۱ درصد افزایش یافته است. مرکز پژوهش های مجلس اسلامی در گزارشی اعلام کرد که در بهترین سناریو اقتصاد ایران در سال جاری حدود ۸.۲ میلیون فرصت شغلی (حدود ۱۲ درصد از کل فرصت های شغلی کشور) را از دست خواهند داد. این گزارش پیش بینی می کند اقتصاد ایران در "بدترین" حالت ۴.۶ میلیون فرصت شغلی (معادل ۶.۲۷ درصد از کل فرصت های شغلی) را از دست می دهد. یعنی ما در مقابل شش میلیون بیکار جدید در پایان امسال روبرو خواهیم بود. روشن است نه دولت روحانی و نه دولت بعدی ۱۴۰۰ و نه کاندیداهای بزرگ و کوچک سپاه پاسداران هیچکدام نخواهند توانست از انهدام کامل اقتصادی جمهوری اسلامی جلوگیری و وضعیت بد مردم ایران را حتی بدرجائی تخفیف دهند. دولت آینده هم قرار نیست که وضعیت اقتصادی جامعه را سامان دهد. بلکه تنها متعهد است، همانند دولتهای سابق، نظام ضد کارگر اسلامی را در مقابل خشم جامعه حفظ کند.

ترور فخری زاده و هیاهوی "انتقام سخت" نه تنها موفق نشد چند صباحی فشار گرسنگان، بی خانمانان، پابرهنگان و محرومان را از روی سر جمهوری اسلامی بکاهد، بلکه با ترور مهره اصلی هسته ای جمهوری اسلامی، مستقل از درجه نفوذ سازمانهای امنیتی "خارجی" در نظام اسلامی، نشان داد که جمهوری اسلامی حتی قادر نیست از نیروهای خود در درون مرزهایش حفاظت کند. همکاریهای جدید اسرائیل با کشورهای عربی و مانور چهار روزه نظامی "سیف العرب" (شمشیر "عرب ها") در پایگاه نظامی محمد نجیب و مناطق ویژه تمرینات هوایی و دریایی در منطقه شمالی مصر با مشارکت شش کشور عربی: مصر، عربستان سعودی، امارات، اردن، بحرین و سودان که ماه گذشته برگزار شد، نشان از تشکیل جبهه متحدی بر علیه جمهوری اسلامی میدهد که با گذشت هر روز خود را در مقابل جمهوری اسلامی آماده تر میکند. جمهوری اسلامی اما تنها با تحریم اقتصادی و صفبندی کشورهای منطقه در محاصره قرار ندارد. جمهوری اسلامی در درون ایران در یک جنگ همه جانبه و در محاصره انقلابیون و سرنگونی طلبان قرار دارد.

فشار اقتصادی بر جامعه که بیشتر آن حاصل فساد و دزدیهای میلیاردی خانواده خامنه ای و سران و مسئولین جمهوری اسلامی و مافیای سپاه پاسداران است، بازی در خارج از "روابط بین المللی" جهان سرمایه و در نتیجه تحریمهای اقتصادی، برنامه های نظامی جمهوری اسلامی در کنار پاندمی کرونا، ادامه و تشدید اعتراضات عظیم اجتماعی از آبان ماه سال گذشته، جمهوری اسلامی را در موقعیت متزلزل و خطرناکی قرار داده است. موقعیتی که هرگونه حرکت حساب نشده و عجولانه اش میتواند ناقوس پایان عمرش را بصدا درآورد. گسترش جنبش های اعتراضی در ایران از جمله اعتصابات و اعتراضات کارگری، اعتراضات معلمان و باننشستگان، مال باختگان، بیکاران، اعتراض حاشیه نشینان و حلبی آبادی ها، سیل زدگان، جنبشهای مدافع حقوق زنان و مدنی تا جنبش علیه اعدام، فضای سیاسی جامعه را در مقابل جمهوری اسلامی هر روز قطبی تر میکند. از یک طرف فسادهای مالی چند میلیارد دلاری و از طرف دیگر فقر مطلق و گرسنگی چهره جامعه امروز است.

اقتصاد جمهوری اسلامی ورشکسته و حتی بازگشت نامحتمل به برجام بداد جمهوری اسلامی نخواهد رسید. سقوط قیمت نفت و عدم خریدار برای آن حاکی از آن است که فروش نیم میلیون بشکه نفت بقیمت ۴۰ تا ۵۰ دلار برای جمهوری اسلامی به رویائی دست نیافتنی تبدیل شده است. منابع خبری تایید می کنند که صادرات نفتی ایران به کمتر از ۱۰۰ هزار بشکه در روز سقوط کرده است. مقداری که پس از توافق هسته ای تولید نفت به بیش از ۹.۴ میلیون بشکه در روز رسیده بود. معاون روحانی، محمدباقر نوبخت، اظهار داشت که صادرات نفتی در تیر و مرداد امسال حتی به ۷۰ هزار بشکه در روز نیز تنزل کرده است. در نتیجه محاصره اقتصادی و خروج آمریکا از توافقنامه برجام و

کشور علیه شرایط کاری و حقوقی خود اعتصاب کردند.

## وضعیت اقتصادی و سیاسی

### جمهوری اسلامی ...

ریشه بحران و ورشکستگی اقتصادی در جمهوری اسلامی اساسا سیاسی است. حجم اختلاسه‌های یک دهه اعلام شده اخیر چیزی حدود ۴۴ میلیارد دلار برآورد می‌شود. برخی منابع سرمایه‌های فراری (یعنی ارز حاصل از فروش صادراتی که به ایران بازنگشته‌اند) را طی دهسال گذشته ۱۵۰ میلیارد دلار تخمین می‌زنند یعنی چیزی نزدیک به ۱۵ میلیارد دلار سالانه سرمایه‌ای که حاصل تولید طبقه کارگر ایران است، تنها در دستگاهها حکومتی "گم می‌شود". در کنار این دزدیهای غیرقابل باور ۸۷ میلیارد دلار تنها در سه سال گذشته به خارج کشور توسط آقازادگان و دیگر دزدان حکومتی بعنوان ارز صادر شده را اضافه کنید تا متوجه شوید که ایران جمهوری اسلامی، بهشت آقازادگان، آیت الله دزدان و دیگر باندهای مافیائی سپاه و جهنم کارگران و زحمتکشان است.

پیامدهای اجتماعی گرسنگی و بیحقوقی اجتماعی و سرکوب خونبار جامعه، افزایش اعتصابات و اعتراضات است. اعتراضات و ناآرامیهای اجتماعی، تنها طی چهار ماه نخست سال جاری افزایش سه تا چهار برابری نسبت به سال پیش داشته‌اند. از مهمترین اعتراضات سال جاری می‌توان به اعتراضات کارگری در شرکت نیشکر هفت تپه، شرکت هیکوی اراک، شرکت کنتور سازی قزوین، معدن مس کرمان، اعتراض معلمان و بازنشستگان معلم در سراسر ایران، اعتراض بازنشستگان وابسته به تامین اجتماعی و بازنشستگان بخش نفت در ۱۰ شهر بزرگ ایران، اعتصاب کارگران شهرداری ها در استانهای مختلف، اعتراض رانندگان اتوبوس واحد در تهران، ارومیه، اردبیل و اهواز، اعتراض بساط فروشان و پرستاران در تهران، مشهد، رشت، اهواز، اصفهان، شیراز و کرمان و ... اشاره کرد. تابستان امسال شاهد یکی از بزرگترین موج های اعتراض در صنایع نفتی پس از انقلاب ۵۷ بود به طوری که حدود ۱۵ هزار کارگر در حدود ۲۹ شرکت وابسته به شرکت های نفت و گاز و پتروشیمی در سراسر

روشن است دستگاههای سرکوب جمهوری اسلامی برای جلوگیری از گسترش و فراگیری اعتراضاتی مانند اعتراض کامیونداران و یا هفت تپه تلاش میکنند که از گسترش و هماهنگی میان معترضان و اعتصابیون در سطح سراسری از یک طرف جلوگیری و از طرف دیگر با دستگیری و صدور احکام سنگین کیفری در کنار شلاق و شکنجه رهبران جریان های اعتراضی را مغلوب و از اعتراضات و اعتصابات کارگری دور نگهدارند. سانسور تا قطع و ممنوعیت فعالیت در شبکه های اجتماعی مانند اینستاگرام، واتس آپ، تلگرام، توئیتر و فیسبوک هم ابزاری برای جلوگیری از هماهنگی و ارتباط میان معترضان، اپوزیسیون خارج و درج اطلاعات به بیرون و گرفتن حمایت بین المللی است. قدم بعدی و همیشگی جمهوری اسلامی، اعدام برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه است.

جمهوری اسلامی نه قادر خواهد بود از بحران اقتصادی امروز خود خارج شود و نه اصولا بدنبال رونق اقتصادی برای بهبود معیشت مردم در جامعه است. ادامه و گسترش فعالیتهای هسته ای برای قدرت اتمی شدن، حمایتهای میلیاردی به نیروهای سیاه نظامی در منطقه، ادامه ترور و کشتار و اعدام مخالفین جمهوری اسلامی و حتی بازگشت به برجام، تنها و تنها برای حفظ جمهوری اسلامی است و این هم غیر ممکن است. بیش از نیمی از جامعه در فقر مطلق بسر می برد، گرسنگی، بیماری، فقر، بی سرپناهی بیداد میکند. وضعیت امروز در ایران را می توان براستی به آتشفشانی تشبیه کرد که هر لحظه ممکن است فوران کند.

اما سرمایه داری راه حل متمایزی ندارد و کم و بیش ادامه جمهوری اسلامی است. راه حل ما سوسیالیسم است! این تنها راه حل ممکن و انسانی است! سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. سرنگونی انقلابی نظام سرمایه اسلامی و برقراری فوری جمهوری سوسیالیستی کم هزینه ترین و ممکن ترین راه است. جمهوری اسلامی را باید سرنگون کرد، سرنگونی در دستور روز است. راه رسیدن جامعه به سعادت، خوشبختی و آزادی تنها در برقراری سوسیالیسم میسر است.\*

۱۰ دسامبر ۲۰۲۰



## جمهوری اسلامی

### و ساخت فیلم پورن پدوفیل

سیوان کریمی



و یکی که هر شخص پدوفیل بدون استثنا باید محاکمه و به جزای اعمالش برسد، رژیم اسلامی دارد برای یک آدم منحرف و متجاوز و مجرم پدوفیل، فیلم می سازد و این فیلم قرار است برای کودکان به نمایش درآید!! این جامعه به کجا می رود؟

رژیم اسلامی را باید سرنگون کرد. اگر امیدی برای حفظ شیرازه های جامعه وجود

دارد، اگر امیدی برای بازگرداندن کودکی به فرزندان این جامعه وجود دارد، اگر هنر و ادبیات و سینما نفسی بکشند و آثاری ماندگار را به جا بگذارند، تنها یک راه وجود دارد و آن هم سرنگونی بدون اما و اگر رژیم اسلامی است. جامعه نباید جایی برای طوسی ها داشته باشد. محیط امن و آرام و ایجاد شرایط آموزش برای کودکان بدون دخالت مذهب در آن و تلاش برای شکوفایی استعدادهایشان، امری لازم و ضروری است. اما رژیم اسلامی همه را له کرده است. نه امنیتی برای کودکان است و نه آموزشی در خور انسان. آنچه می بینیم این است که این رژیم سراپا فاسد، از هر ابزاری برای از بین بردن شالوده های یک جامعه استفاده می کند و برای "قهرمان" این ویرانی ها شخصیت سازی می کند، فیلم می سازد و کتاب می نویسد.

این نمونه اول نیست. در دوره چهار ساله رژیم، "آثاری" را برای قاتلین و آمرین این جنایت‌هایی ساخته اند. فیلمهایی که برای ارائه چهره ای حق به جانب و مردم دار از سوی رژیم تهیه شده است. چه، ماجرای نمیروز، ماهی سیاه کوچولو و مواردی دیگر از جمله فیلمهایی هستند که از این دست هستند.

#### اما فیلم طوسی

فیلمی که قرار است ساخته شود، به ماجرای زندگی این قاری بیت خامنه ای اشاره دارد. با توجه به صحبت‌های شاگردان قبلیش، تجاوز به کودکان در سنین بسیار پایین و مجبور کردن آنها به انجام کارهای جنسی در مقابل چشم‌های این مردک دربار، همیشه و در هر سفری بخشی از زندگی او بوده است. ای آقای کارگردان نان به نرخ روز خور! ساخت این فیلم که به حق باید از طرف جامعه مورد نکوهش و اعتراض شدید قرار گیرد، یک خُسن دیگری برایت دارد و آن هم ساخت اولین فیلم پورن پدوفیلی رسمی در دستگاه رژیم اسلامی است. این مدال را هم بر گردن بینداز.

دسامبر ۲۰۲۰

**"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیم‌های قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد"**

منصور حکمت

سالها طول می کشد تا یک فیلم خوب را از سینمای ایران بیرون کشید، نقد کرد و دید و دهه ها طول می کشد که یک بازیگر و یا کارگردان خوب پا به عرصه این حوزه هنری بگذارد. مارکس معتقد بود که کنش آفریننده تا حدود زیادی آگاهانه است، یعنی می داند که می خواهد چکار کند و قاعدتا تصویری هم از نتیجه آن در ذهن دارد. این چند جمله کوتاه مقدمه ای است برای بررسی یک خبر که رسانه ها کمتر به آن پرداختند. خبر را در روزهای منتهی به روز دانشجو منتشر کردند و قاعدتا گم می شود. ساخت فیلم زندگی "سعید طوسی" خبری بود که زیاد لایسه نشد.

سعید طوسی مدتها در صدر خبرها بود. این مردک دربار خامنه ای و قاری خصوصی او، به جرم تجاوز به کودکان، پایش به دادگاه باز شد. اما این محبوب "آقا"، فراق دوری را تحمل نکرد و زودتر به آغوش رهبرش بازگشت. مساله تجاوز به کودکان و له شدن زندگی آنها را روزانه در خبرها می شنویم. اما اتفاق تکان دهنده برای جامعه این است که یک کارگردان! برنامه های کودک تصمیم گرفته زندگی سعید طوسی را به یک فیلم تبدیل کند. به قول خودشان روایتی تصویری از زندگی او را منتشر کند.

هنر در دوران جمهوری اسلامی چنان به لجن کشیده شده است که به سختی می توان نام هنر را برای یک اثر بکار برد. عمق وابستگی "هنرمندان" به رژیم اسلامی و دستگاه‌های وابسته به آن را می توان در اظهار نظر این اشخاص در مورد کشته شدن این و آن مهره رژیم دید. رسوخ ریشه های خرافات مذهبی و ناسیونالیستی در ارائه کارهای به اصطلاح هنری تا آنجا پیش رفته است که هر آنچه به عنوان هنر معرفی می شود حتما رگه هایی از حماقت دینی و ناسیونالیسم کور را در خود دارد. رژیم اسلامی هم با صرف پولهای خیالی، سعی می کند تا اعتقادات دینی خود را به جامعه حقنه کند و کماکان بر این سیاست شکست خورده خود اصرار می ورزد. هر دولت، جریان سیاسی، گروه و دسته حق دارد که شخصیت‌های خود تکریم کند. جای تاسف و شوک داستان این است که حالا نوبت پدوفیلها و تجاوزگران برای ساخت این فیلم‌هاست. این روزها مجموعه های تلویزیونی مانند "آقازاده" تلاش می کند تصویر موجود از فرزندان مهره های رژیم اسلامی را تلطیف کند و بگوید که نه، همه اینطور نیستند. همین مجموعه تلویزیونی نشان می دهد (هر چند به بسیاری از جنبه های زندگی خصوصی این آقازاده نمی پردازد) که چگونه زندگی انسانهای معمولی این اجتماع را یک شبه له می کنند. از دختران، "پرستوها" می سازند، آنها را طعمه می کنند و نهایتا مرگ را برایشان تدارک می بینند.

سعید طوسی باید به جرم پدوفیل بودن محاکمه شود و در مقابل تمام کسانی که به آنها تجاوز کرده پاسخگو باشد. البته باید اشاره کرد که این روند را مطلقاً نمی توان از رژیم اسلامی انتظار داشت. در قرن بیست



## در حمایت از اعتراضات اخیر مردم کردستان عراق

### و محکومیت سرکوبگری حکومت اقلیم کردستان

و محروم کردستان عراق مدتهاست این واقعیتها را با خالی تر شدن سفرهایشان و ماهیت سرکوبگرانه حکومت اقلیم درک کرده اند و می بینند که زیر "سایه" حکومت "خودی" روز به روز بر بار مشکلات زندگی و معیشت شان افزوده می شود. جنبش مردم محروم کردستان در واقع همان جنبش نان و آزادی است که عراق و خاورمیانه را فرا گرفته است.

با این حال اعتراضات پراکنده نمی تواند تغییر آنچنانی در وضعیت موجود ایجاد کند. جوانان و مردم معترض، معلمان، کارگران و حقوق بگیران برای رسیدن به خواست و مطالباتشان و برای تداوم و هدایت اعتراضات خود، لازم است تشکل های سراسری و نهادهای توده ای از قبیل کمیته های انقلابی و شوراهای محل کار و زیست ایجاد کنند و با سازماندهی خود در آن نهادها مهر موجودیت و اعمال اراده خود را بر اعتراضات بکوبند و بنیان یک حاکمیت مردمی و شورایی را در کردستان بنا نهند. احزاب و جریانات و فعالین چپ و کمونیست باید در این اعتراضات شرکت و حضور فعال داشته باشند و در این راستا ایفای نقش و وظیفه نمایند و موقعیت جریان سوسیالیست در جامعه را تحکیم بخشند.

ما نیروهای متشکل در "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" حمایت و پشتیبانی بی دریغمان را از خواست ها و مطالبات مردم محروم کردستان اعلام می کنیم و حمله نیروهای حکومت اقلیم را به مردم حق طلب قویا محکوم می کنیم.

زنده باد اعتراضات مردم حق طلب کردستان عراق

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۱۹ آذر ۱۳۹۹ - نهم دسامبر ۲۰۲۰

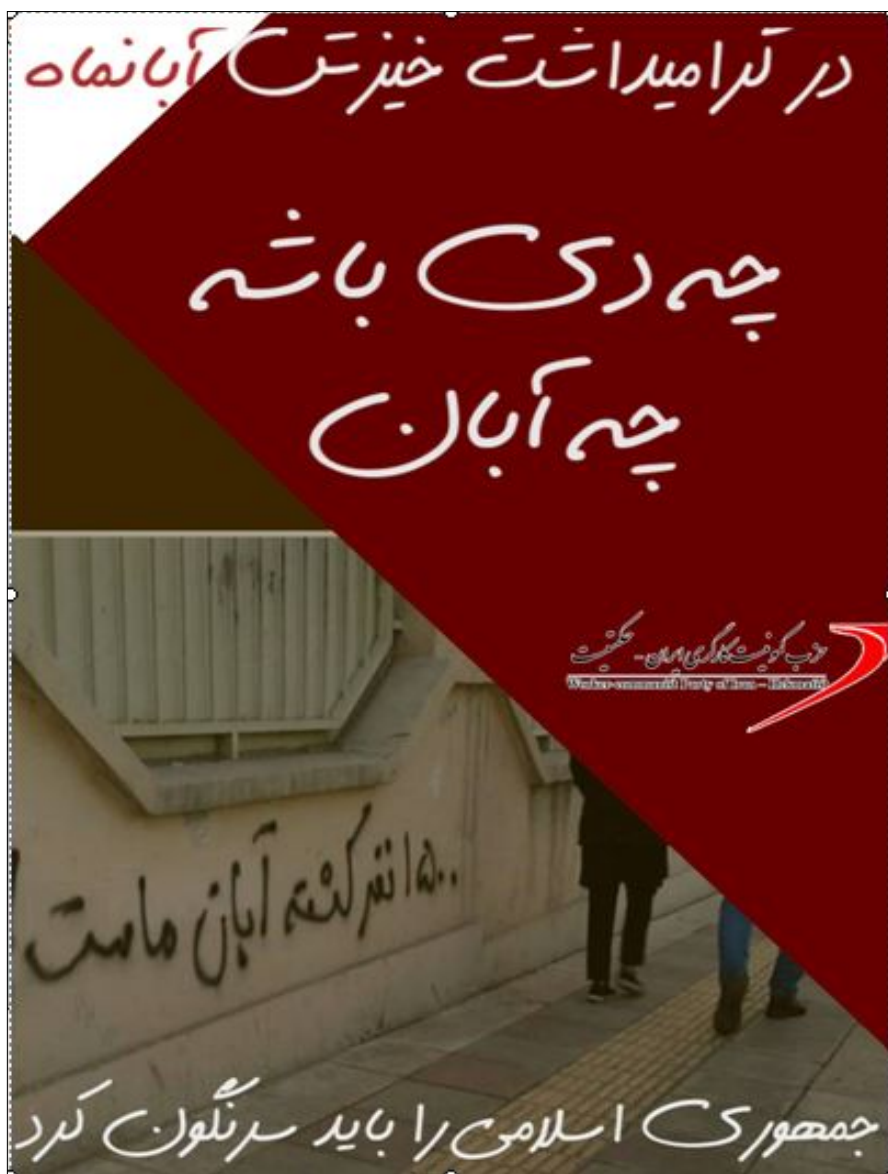
امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

از یک هفته پیش موج تازه ای از اعتراضات کارگران و مردم زحمتکش و تنگدست کردستان عراق در اعتراض به فقر و بیکاری، دزدی و فساد گسترده، تعرض به آزادی، عدم پرداخت حقوق و دستمزدهایشان و کمبود خدمات عمومی به راه افتاده است. دامنه این اعتراضات به شهرهای سلیمانیه، کرکوک، چمچمال، رانیه، قلادزه، کلار، سیدصادق، کفری، تکیه، خورمال، گرمیان، پنجوین و ... کشیده شده است و معترضان خواستار برکناری حکومت و احزاب و جریانات فاسد در قدرت هستند.

مردم معترض در بعضی از این شهرها دفاتر "حزب دمکرات کردستان عراق"، "اتحادیه میهنی"، "گوران"، "یه کگرتوی اسلامی کردستان" و "کومه ل اسلامی" را به مثابه نماد قدرت و حکومت، به آتش کشیدند. این اعتراضات با خشونت و تیراندازی نیروهای امنیتی وابسته به حکومت اقلیم کردستان مواجه شده است که بر اثر آن متأسفانه حدود به ۱۰ نفر از مردم معترض جان خود را از دست داده و بیش از صد نفر زخمی شده اند. همچنین تعداد زیادی از جمله مسئولان تشکل معلمان دستگیر شده اند. حکومت اقلیم همچنین کانال تلویزیونی "ان. آر. تی" را مورد حمله قرار داده و از پخش برنامه های آن به مدت یک هفته جلوگیری به عمل آورده است. "مسرور بارزانی" رئیس دولت اقلیم کردستان اعتراضات مردم را "تلاش برای برهم زدن و ویرانی و آتش زدن و هرج و مرج" نام برده و گفته هدفشان برهم زدن استقرار و آرامش کردستان است و کسانی می خواهند از اعتراضات به نفع خود استفاده کنند. او دستور داده که متخلفین را دستگیر و محاکمه کنند.

اعتراضات در کردستان عراق که بیش از دو دهه است تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست کردستان قرار دارد، امر تازه ای نیست. این خروش مردمی است که در زیر سایه "حکومت خودی" هر روز بیش از پیش فقیرتر، محروم تر و تنگدست تر گشته اند. این در حالی است که سران و مسئولان احزاب حاکم که قدرت و حاکمیت را میان خود تقسیم کرده اند، همگی به ثروت های افسانه ای دست یافته اند. مردم حق طلب

**یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!**



جهان بدون فراخوان  
سوسیالیسم،  
بدون امید سوسیالیسم،  
بدون «خطر»  
سوسیالیسم،  
به چه منجلاهی تبدیل  
میشود!

منصور حکمت

کمونیست را بخوانید و به  
دوستانان معرفی کنید!

کارگران در اعتراضات به مجمع عمومی متکی شوید!



منصور حکمت

را بخوانید

و به دیگران

معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

## دولت را موظف کنیم:

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفته با کاهش ساعات کار باشد!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گرداها، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

### حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی  
کمونیسست

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

زنده باد سوسیالیسم!